

Designing Student Scientific Participation in a Creative and Effective University: An Approach Based on the Community of Inquiry

Zahra Jamebozorg^{1✉} | Sepideh Behrouzifar²

1. Associate Professor, Department of Educational Technology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Director of the Research Core on Nativeism, Learning Design, and Digital Media Production Based on Iranian Culture. (Corresponding Author).

Email: Jamebozorgzahra@gmail.com

2. PhD student in Higher Education Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: Sepideh_behrouzifar@atu.a.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The present study aims to design and develop a policy package for enhancing the participation of Student Scientific in university governance, framed within the model of the University as a Community of inquiry. In recent decades, universities worldwide have moved toward participatory governance and organizational learning; however, in Iran's higher education system, student involvement in decision-making and policy processes remains largely symbolic and unstructured. This research adopts a qualitative and documentary-analytical approach to propose evidence-based policy strategies. Initially, over 70 sources—including scholarly articles, formal regulations, and policy documents—were collected and screened, resulting in 26 key sources. Using inductive content analysis, the main components and interrelations of the model were extracted and integrated into a conceptual framework. To ensure the model's validity, ten experts in higher education and policy studies evaluated its clarity, relevance, and comprehensiveness. The Cohen's Kappa coefficient was calculated to assess inter-rater agreement, yielding a value of 0.82 ($p < 0.01$), indicating a very high level of agreement according to Landis and Koch (1977). The findings demonstrate that structured participation of SSAs transforms the cycle of decision-making, implementation, and feedback into a reflective and learning-oriented process, leading to outcomes such as transparency, accountability, self-regulation, organizational creativity, and institutional belonging. Consequently, the proposed conceptual model provides a comprehensive framework for advancing universities as communities and strengthening participatory policy development in Iran's higher education system.
Article history:	
Received: 5 April 2025	
Received in revised form: 5 May 2025	
Accepted: 27 May 2025	
Published online: 21 June 2025	
Keywords: Student academic community, Academic community participation, Participatory governance, Higher education governance.	

Cite this article: Jameh Bozorg, Zahra; Behrouzifar, Sepideh. (2025). Designing Student Scientific Participation in a Creative and Effective University: An Approach Based on the Community of Inquiry, *Journal of Creative and Effective Education*. 1(1), 1-19.

DOI:10.22111/cee.2025.53878.1000

© The Author(s). Jameh Bozorg, Zahra; Behrouzifar, Sepideh

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



طراحی مشارکت علمی دانشجویی در دانشگاه خلاق و اثربخش:

رویکردی بر پایه اجتماع کاوشگر

زهرا جامه بزرگ^۱ | سپیده بهروزی فر^۲

۱. دانشیار گروه تکنولوژی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. مدیر هسته پژوهشی بومی گرای طراحی یادگیری و تولید رسانه های دیجیتال مبتنی بر فرهنگ ایرانی. (نویسنده مسئول) رایانامه: Jamebozorgzahra@ymail.com
۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران. رایانامه: Sepideh_behrouzifar@atu.a.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۶ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۳/۳۱ واژه‌های کلیدی: مشارکت علمی، حکمرانی مشارکتی، اجتماع کاوشگر، چرخش تغییرسیاستی.	هدف از پژوهش حاضر، طراحی مشارکت علمی دانشجویی در دانشگاه در چارچوب الگوی «دانشگاه به‌مثابه اجتماع کاوشگر یادگیرنده» است. در سال‌های اخیر، دانشگاه‌ها در سراسر جهان به سوی حکمرانی مشارکتی و یادگیری سازمانی حرکت کرده‌اند؛ اما در نظام آموزش عالی ایران، مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اغلب در سطحی نمادین و غیرساختاری باقی مانده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و اسنادی-تحلیلی و با هدف ارائه‌ی راهکارهای سیاستی مبتنی بر شواهد انجام شده است. در گام نخست، بیش از ۷۰ منبع شامل مقالات علمی، آیین‌نامه‌ها، و اسناد سیاستی گردآوری و با معیارهای علمی غربالگری به ۲۶ منبع کلیدی کاهش یافت. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی، مؤلفه‌ها و روابط کلیدی مدل استخراج و مدل مفهومی اولیه طراحی شد. به‌منظور اعتبارسنجی مدل، ۱۰ نفر از خبرگان حوزه آموزش عالی و سیاست‌گذاری علمی مدل را ارزیابی کردند و میزان توافق آنان با استفاده از ضریب کاپای کوهن محاسبه گردید. نتایج نشان داد مقدار کاپا برابر با ۰.۸۲ بوده و از نظر آماری در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار است که بر اساس معیار Koch و Landis (۱۹۷۷) بیانگر توافق بسیار بالا است. یافته‌ها نشان داد که مشارکت ساختاریافته‌ی انجمن‌های علمی دانشجویی می‌تواند چرخه‌ی تصمیم‌سازی، اجرا و بازخورد در دانشگاه را به چرخه‌ای یادگیرنده و بازتابی تبدیل کند و پیامدهایی چون شفافیت، پاسخ‌گویی، خودتنظیمی، خلاقیت سازمانی و تعلق نهادی را به دنبال داشته باشد. بدین ترتیب، مدل نهایی پژوهش چارچوبی مفهومی برای ارتقای دانشگاه به‌مثابه اجتماع کاوشگر و توسعه‌ی سیاست‌های مشارکتی در آموزش عالی ایران ارائه می‌دهد.

استناد: جامه بزرگ، زهرا؛ بهروزی فر، سپیده. (۱۴۰۴). طراحی مشارکت علمی دانشجویی در دانشگاه خلاق و اثربخش: رویکردی بر پایه اجتماع کاوشگر. آموزش خلاق و اثربخش، ۱(۱)، ۱-۱۹.

DOI: 10.22111/cee.2025.53878.1000



۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، دانشگاه‌ها به تدریج از نهادهایی صرفاً آموزشی به اجتماعات کاوشگر و یادگیرنده تبدیل شده‌اند که در آن، یادگیری نه صرفاً در کلاس درس، بلکه در بستر تعاملات اجتماعی، تصمیم‌گیری‌های جمعی و مشارکت فعال ذی‌نفعان معنا می‌یابد (کلیمنچیچ^۱، ۲۰۱۹). در این میان، انجمن‌های علمی دانشجویی به عنوان یکی از مؤثرترین بسترهای یادگیری اجتماعی، فرصتی منحصر به فرد برای رشد خودتنظیمی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و رهبری تحول‌آفرین دانشجویان فراهم می‌کنند. با این حال، در بسیاری از نظام‌های آموزش عالی، از جمله در ایران، جایگاه مشارکتی دانشجویان در فرآیندهای حکمرانی و سیاستگذاری دانشگاهی همچنان کم‌رنگ و عمدتاً نمادین باقی مانده است. گریسون نظریه اجتماع کاوشگر در چهار عنصر مهم در ایجاد حس تعلق و همیار در یادگیری جمعی بیان می‌کند: حضور شناختی، حضور عاطفی، حضور اجتماعی و حضور فرآیندهایی که این چرخه را برقرار کند و این سه حضور را مهیا نماید (جامه بزرگ^۲، ۲۰۲۲). به رغم شواهد گسترده از مزایای مشارکت دانشجویان در تصمیم‌سازی‌ها، دانشگاه‌ها اغلب نتوانسته‌اند به عنوان یک اجتماع کاوشگر عمل کنند؛ جایی که دانشجویان بتوانند یافته‌های علمی خود را در صحن واقعی دانشگاه تمرین کرده و در فرآیندهای سیاستگذاری نقش‌آفرینی نمایند. این گسست میان یادگیری نظری و عمل اجتماعی موجب شکل‌گیری دانشگاهی «انفعالی» شده است که در آن، خلاقیت و تفکر انتقادی دانشجویان رشد نمی‌یابد و ظرفیت آنان برای درک و تغییر ساختارهای نهادی تضعیف می‌شود. در چنین شرایطی، سیاستگذاری‌های دانشگاهی بدون بهره‌گیری از دیدگاه‌های واقعی‌ترین ذی‌نفعان خود «یعنی دانشجویان» از پویایی و اثربخشی لازم باز می‌ماند (برگان^۳، ۲۰۲۰؛ جونز و همکاران^۴، ۲۰۲۳). به باور خان^۵ (۲۰۲۱)، رهبری اثربخش در دانشگاه‌ها زمانی تحقق می‌یابد که بر توانمندسازی اعضای دانشگاه و پرورش نوآوری تمرکز داشته باشد. کالیسکان و ژو^۶ (۲۰۲۳) نیز تأکید می‌کنند که پیوند میان حاکمیت و رهبری، تعیین‌کننده ارزش‌های استراتژیک و جهت‌گیری کلان مؤسسات آموزش عالی است. افزون بر این، هریس^۷ (۲۰۲۱) بر نقش رهبری مشارکتی تأکید دارد که در آن، تصمیم‌گیری مشترک، شفافیت و حس تعلق نهادی تقویت می‌شود. با این حال، تحقق چنین رهبری‌ای بدون مشارکت واقعی دانشجویان ممکن نیست، زیرا مشارکت آنان نه تنها کیفیت تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، بلکه دموکراسی نهادی و یادگیری جمعی را نیز تقویت می‌کند (لوشر ماماشلا^۸، ۲۰۱۳؛ اسمولنتسوا^۹، ۲۰۱۳). مطالعات کلیمنچیچ (۲۰۱۹) و برگان (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که دانشگاه‌هایی با ساختار حکمرانی دانشجویی قوی‌تر، توان بیشتری در مواجهه با بحران‌های سازمانی و اجتماعی دارند. مشارکت فعال دانشجویان به توسعه‌ی فرهنگ پاسخ‌گویی، شفافیت و نوآوری نهادی منجر می‌شود. این نوع از مشارکت نه صرفاً در تصمیم‌گیری‌های اجرایی، بلکه در فرایند سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و ارزشیابی دانشگاهی معنا پیدا می‌کند؛ جایی که دانشجویان به عنوان شهروندان

¹ .Klemenčič

² .Jamebozorg

³ .Bergan

⁴ .Jones et al

⁵ .Khan

⁶ .Zhu & Caliskan

⁷ .Harris

⁸ .Luescher-Mamashela

⁹ .Smolentseva

علمی و اجتماعی، تجربه‌ی واقعی از کنش مدنی، مسئولیت‌پذیری و تفکر جمعی خلاق پیدا می‌کنند. در نبود چنین مشارکتی، پیامدهایی همچون رکود فکری، بی‌تفاوتی اجتماعی، کاهش احساس تعلق نهادی، و ضعف در نوآوری آموزشی و پژوهشی بروز می‌کند. این وضعیت، با فلسفه‌ی وجودی دانشگاه‌های خلاق و اثربخش در تضاد است و مانع از پرورش نسل جدیدی از دانشجویان خودتنظیم، منتقد و خلاق می‌شود که بتوانند در مسیر تحول جامعه گام بردارند. از منظر چرخه‌ی تغییر سیاستگذاری^۱، مشارکت دانشجویان به‌ویژه از طریق انجمن‌های علمی، می‌تواند در مراحل مختلف این چرخه؛ از شناسایی مسئله، تدوین گزینه‌های سیاستی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی؛ نقش مؤثری ایفا کند. این مشارکت نه‌تنها ظرفیت دانشگاه را برای نوآوری و یادگیری سازمانی افزایش می‌دهد، بلکه منافع گسترده‌ای برای ذی‌نفعان اصلی شامل مدیران، استادان، کارکنان و خود دانشجویان به همراه دارد. در واقع، دانشگاه به‌عنوان یک اجتماع کاوشگر، زمانی اثربخش خواهد بود که فرایندهای سیاستگذاری و یادگیری در آن با هم‌افزایی شناختی، عاطفی و اجتماعی دانشجویان پیوند یابد.

بنابراین، این پژوهش با تکیه بر رویکرد «دانشگاه به‌مثابه اجتماع کاوشگر»، در پی آن است تا نقش و شیوه‌های مشارکت انجمن‌های علمی دانشجویی در حکمرانی دانشگاهی را بررسی کند، موانع و فرصت‌های آن را شناسایی نماید، و چارچوبی برای سیاستگذاری مشارکتی و خلاق در دانشگاه‌های ایران پیشنهاد دهد؛ چارچوبی که بتواند مسیر حرکت دانشگاه‌ها را به سوی یادگیری اثربخش، خلاق و مسئولانه هموار کند.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر، بسیاری از نظام‌های آموزش عالی در سطح جهانی به سوی دموکراتیزه کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری دانشگاهی و تقویت مشارکت دانشجویان حرکت کرده‌اند. سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت دانشجویان در حکمرانی، از یک سو تحت تأثیر نظریه‌های مشارکت‌محور در رهبری آموزش عالی بوده، و از سوی دیگر، پاسخ به مطالبات فزاینده برای شفافیت، پاسخ‌گویی و مشروعیت نهادی بوده‌اند (کلیمنچیچ، ۲۰۱۹؛ برگان، ۲۰۲۰).

الف- سیاست‌ها و راهبردهای پیشین در سطح بین‌المللی: در کشورهای اسکاندیناوی (سوئد، نروژ، دانمارک)، از دهه ۱۹۷۰، نمایندگان منتخب دانشجویان در شوراهای دانشگاهی حضور دارند و حق رأی دارند. این مدل با نگاه به مشارکت دموکراتیک و هم‌سطح‌سازی ذی‌نفعان شکل گرفت (لوشر ماماشلا، ۲۰۱۳). در انگلستان، علی‌رغم غلبه الگوی مدیریتی بازارمحور، اتحادیه‌های دانشجویی قدرت چانه‌زنی و مشاوره‌ای قابل توجهی در سیاست‌گذاری‌های دانشگاهی دارند (جونز و همکاران، ۲۰۲۳). در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی پس از دهه ۹۰، در پاسخ به تحولات سیاسی و تقویت نهادهای مدنی، تلاش شد نقش دانشجویان در ساختارهای دانشگاهی رسمیت یابد، گرچه در عمل، کیفیت مشارکت اغلب محدود باقی ماند (اسمولنتسوا، ۲۰۱۳). در اسناد اتحادیه اروپا، از جمله فرآیند بولونیا، بر «مشارکت معنادار دانشجویان در سیاست‌گذاری آموزش عالی» به‌عنوان یکی از اصول بنیادین آموزش عالی مدرن تأکید شده است.

^۱ Policy Change Cycle

ب- سیاست‌ها و تجربه‌های پیشین در ایران: مشارکت دانشجویی عموماً در قالب انجمن‌های علمی، شوراهای صنفی، تشکل‌های فرهنگی و کانون‌های دانشجویی تعریف شده است. اما مشارکت آنها در فرآیندهای سیاست‌گذاری کلان دانشگاهی، تاکنون ساختاری، نهادینه و دارای اختیارات کافی نبوده است. در دهه ۱۳۸۰، برخی دانشگاه‌ها تجربه‌هایی در تشکیل شورای مشورتی دانشجویان یا حضور نمادین نمایندگان دانشجویی در شوراهای آموزشی یا فرهنگی داشتند، اما این تجربه‌ها اغلب کوتاه‌مدت یا محدود به تصمیم‌گیری‌های غیرکلان بودند. در آیین‌نامه انجمن‌های علمی دانشجویی مصوب وزارت علوم (آخرین بازنگری: ۱۳۹۷)، بر «همکاری با مدیریت دانشگاه» تأکید شده، اما این همکاری تعریف حقوقی و سیاستی مشخصی ندارد و بیشتر به فعالیت‌های علمی/اجرایی محدود می‌شود. برخی برنامه‌های وزارت علوم (مانند جشنواره حرکت، آیین‌نامه‌های حمایت از پایان‌نامه‌های تقاضامحور، طرح نظام ملی نوآوری) به صورت غیرمستقیم نقش SSA را تقویت کرده‌اند، اما هنوز سیاستی کل‌نگر و یکپارچه در این زمینه تدوین نشده است.

پ- راهبردهای جاری و چالش‌ها: در حال حاضر، مشارکت SSA در بیشتر دانشگاه‌های ایران به فعالیت‌های علمی، برگزاری همایش و پژوهش‌های دانشجویی محدود می‌شود، درحالی‌که نقشی در تصمیم‌سازی سیاستی، تعیین اولویت‌های پژوهشی دانشگاه یا تدوین برنامه‌های کلان ندارند. نبود جایگاه حقوقی مشخص، عدم آموزش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری، و محدود بودن اختیارات، باعث شده مشارکت SSA بیشتر نمادین و مناسکی باقی بماند تا ساختاری و تأثیرگذار. همچنین، فقدان چارچوبی برای پایش و ارزیابی کیفیت مشارکت دانشجویی در حکمرانی، مانع توسعه سیاست‌های مبتنی بر شواهد در این حوزه شده است (ژو و کاليسکان^۱، ۲۰۲۳). مرور سیاست‌ها و راهبردهای پیشین و فعلی نشان می‌دهد که علی‌رغم تأکید نظری و جهانی بر نقش دانشجویان در حکمرانی، فاصله قابل‌توجهی میان ایده‌آل‌های سیاستی و واقعیت‌های نهادی در دانشگاه‌های ایران وجود دارد. بنابراین، تدوین یک سیاست ملی برای مشارکت معنادار و سازمان‌یافته انجمن‌های علمی دانشجویی در ساختار حکمرانی دانشگاه‌ها، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. با وجود تأکیدات مکرر در اسناد راهبردی آموزش عالی بر تقویت مشارکت دانشجویان، رویکرد جاری در قبال انجمن‌های علمی دانشجویی (SSA) همچنان بر محور نگاه نمادین و اجرایی استوار است. سیاست‌های فعلی، اغلب انجمن‌های علمی را صرفاً به‌عنوان بازوهای اجرایی یا برگزارکنندگان برنامه‌های علمی تلقی می‌کنند، نه به‌عنوان بازیگران کلیدی در فرآیند سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و حکمرانی دانشگاهی.

مرور کوتاه رویکرد فعلی: رویکرد موجود در دانشگاه‌های ایران، مشارکت دانشجویان در حکمرانی را نه ساختاری، بلکه مناسکی و موردی در نظر می‌گیرد. جایگاه انجمن‌های علمی در اسناد بالادستی، بیشتر معطوف به «فعالیت‌های علمی، پژوهشی و ترویجی» است، بدون تعریف روشن از حق مشارکت در سیاست‌گذاری دانشگاهی. در شوراهای کلان دانشگاهی (آموزشی، پژوهشی، راهبردی)، جایگاه رسمی برای نمایندگان انجمن‌های علمی پیش‌بینی نشده است. مشارکت SSA معمولاً به تعاملات غیررسمی با برخی اساتید یا مدیران محدود می‌شود، فاقد سازوکار نهادی، حق رأی، یا ضمانت اجرایی مشخص است.

کاستی‌ها و چالش‌های رویکرد موجود: نبود جایگاه حقوقی مشخص برای SSA در ساختار حکمرانی دانشگاه، مشارکت آنها را وابسته به اراده و سلیقه مدیران کرده است. محدود بودن نقش انجمن‌های علمی به فعالیت‌های

^۱ .Zhu & Caliskan

اجرائی (همایش، مسابقه، پژوهش‌های کوچک)، موجب تضعیف هویت سیاستی و راهبردی آن‌ها شده است. فقدان آموزش سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تحلیل نهادی برای اعضای SSA، مشارکت آنان را به شکل فرمالیته و غیرتأثیرگذار درآورده است. عدم ارتباط نهادینه میان SSA با شورای دانشگاه، گروه‌های آموزشی و نهادهای سیاست‌گذار دانشگاهی، مانع اثرگذاری واقعی آنان بر تصمیمات شده است. نبود شاخص‌های ارزیابی کیفیت و عمق مشارکت دانشجویان در حکمرانی، امکان پایش و اصلاح سیاست‌ها را از بین برده است.

پیامدهای رویکرد فعلی: بی‌اعتمادی دانشجویان به سازوکارهای مشارکت رسمی و شکل‌گیری رویه‌های غیررسمی یا فردمحور، تضعیف فرهنگ مسئولیت‌پذیری و حس مالکیت نسبت به نهاد دانشگاه، از دست رفتن فرصت‌های نوآوری و ایده‌پردازی دانشجویی در فرآیند سیاست‌گذاری، ایجاد گسست نسلی میان بدنه مدیریتی دانشگاه و بدنه دانشجویی که منجر به تصمیماتی غیرمنطبق با نیازهای واقعی دانشجویان می‌شود. ناتوانی دانشگاه در پاسخ‌گویی به چالش‌های اجتماعی و علمی نوظهور به دلیل فقدان صدای دانشجویان در سطوح کلان تصمیم‌گیری.

استدلال برای ضرورت تغییر: یافته‌های پژوهش حاضر، در کنار ادبیات نظری کلیمنچیچ (۲۰۱۹)؛ جونز و همکاران (۲۰۲۳) به روشنی نشان می‌دهد که رویکرد فعلی نه تنها پاسخگوی نیازهای حکمرانی مشارکتی نیست، بلکه خود به مانعی در مسیر توسعه نهادهای دموکراتیک در دانشگاه بدل شده است. ادامه این وضعیت، نه تنها بهره‌وری نهادی و اثربخشی تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد، بلکه نظام آموزش عالی را از سرمایه اجتماعی خلاق‌ترین بخش خود—یعنی دانشجویان—محروم می‌سازد. با توجه به تحولات جهانی، تجربیات بین‌المللی موفق، و ظرفیت‌های بالقوه انجمن‌های علمی دانشجویی، نیاز به یک تغییر بنیادین در نگاه و سیاست‌گذاری نسبت به مشارکت SSA اجتناب‌ناپذیر است. این تغییر نه فقط در سطح عملکرد، بلکه در سطح ساختار، آیین‌نامه، آموزش، و تعریف مجدد از حکمرانی دانشگاهی باید رخ دهد.

۳- روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است و هدف آن طراحی مشارکت علمی دانشجویی در دانشگاه برای خلاقیت و اثربخشی، در چارچوب مدل مفهومی «دانشگاه به مثابه اجتماع کاوشگر یادگیرنده» معرفی شد. رویکرد کلی این پژوهش، کیفی و اسنادی - تحلیلی^۱ است. در این رویکرد، تمرکز بر گردآوری، تحلیل و تفسیر نظام‌مند داده‌های ثانویه از منابع رسمی، علمی و سیاستی است تا بتوان به تصویری جامع از وضعیت موجود، چالش‌ها، شکاف‌های سیاستی و راهکارهای اصلاحی دست یافت. فرایند پژوهش در سه مرحله اصلی انجام شد؛

- گردآوری منابع و داده‌ها: در گام نخست، بیش از ۷۰ منبع شامل مقالات علمی معتبر، آیین‌نامه‌ها، گزارش‌های رسمی وزارت علوم، اسناد بالادستی آموزش عالی، و تجارب بین‌المللی در حوزه مشارکت دانشجویان در حکمرانی دانشگاهی شناسایی و گردآوری شد.

- غربالگری و انتخاب نهایی منابع: با استفاده از معیارهای علمی غربالگری شامل حذف موارد تکراری، منابع با ارتباط ضعیف، و مطالعات دارای کیفیت پایین یا فاقد پشتوانه‌ی نظری کافی، مجموعه‌ی اولیه‌ی منابع به ۲۶

^۱ Qualitative-Documentary Analysis

منبع منتخب کاهش یافت. این منابع نهایی، دارای بیشترین ارتباط با موضوع پژوهش بوده و به طور مستقیم در تدوین مدل و استخراج مؤلفه‌های سیاستی مورد استفاده قرار گرفتند.

– تحلیل محتوای استقرایی: منابع منتخب با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای استقرایی^۱ مورد بررسی قرار گرفتند. در این مرحله، داده‌ها به صورت کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند تا مفاهیم کلیدی، مؤلفه‌های اصلی، و روابط میان آن‌ها استخراج گردد. بر اساس این تحلیل، چارچوب نظری و مدل مفهومی اولیه‌ی «دانشگاه به مثابه اجتماع کاوشگر یادگیرنده» طراحی و سپس به عنوان مبنای تدوین بسته‌ی سیاستی نهایی مورد استفاده قرار گرفت.

منطق انتخاب روش: انتخاب رویکرد اسنادی-تحلیلی به دلایل زیر انجام شد:

- جامعیت و عمق تحلیلی: این روش امکان بررسی دقیق و نظام‌مند وضعیت موجود، سیاست‌ها، چالش‌ها و تجارب بین‌المللی را فراهم می‌سازد.
- کارآمدی زمانی و اقتصادی: با اتکا به داده‌های معتبر موجود، نیاز به گردآوری داده‌های میدانی جدید کاهش یافته و فرایند تدوین بسته سیاستی تسریع می‌شود.
- پایه علمی و استنادی: استناد به منابع علمی معتبر، آیین‌نامه‌های رسمی و گزارش‌های ملی و بین‌المللی، روایی محتوایی و اعتبار استنتاج‌های سیاستی را تقویت می‌کند.
- تناسب با هدف پژوهش: با توجه به هدف پژوهش مبنی بر طراحی بسته‌ای سیاستی مبتنی بر شواهد موجود، این رویکرد مناسب‌ترین روش برای تولید دانش سیاستی کاربردی بوده است.

اعتبارسنجی مدل مفهومی: به منظور اطمینان از اعتبار محتوایی و توافق خبرگان در ارزیابی مدل مفهومی «دانشگاه به مثابه اجتماع کاوشگر یادگیرنده»، از ضریب توافق کاپای کوهن^۲ استفاده شد. در این مرحله، مدل اولیه برای ارزیابی به ۱۰ نفر از خبرگان حوزه‌های آموزش عالی، سیاست‌گذاری علم و فناوری، و یادگیری سازمانی ارائه گردید. آنان میزان تناسب مؤلفه‌ها، وضوح روابط و جامعیت مدل را بر اساس مقیاس سه‌درجه‌ای (مناسب، نسبتاً مناسب، نامناسب) مورد قضاوت قرار دادند.

نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد مقدار کاپا برابر ۰/۸۲ و از نظر آماری در سطح $p > ۰/۰۱$ معنی‌دار است. بر اساس شاخص تفسیری کوچ و لندیس^۳ (۱۹۷۷)، مقادیر بالاتر از ۰/۸۰ نشان‌دهنده‌ی توافق بسیار بالا میان داوران است. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که ساختار کلی مدل مفهومی، روابط میان مؤلفه‌ها و تبیین نظری آن از دیدگاه خبرگان از اعتبار مفهومی و محتوایی مطلوبی برخوردار است. به طور کلی، روش‌شناسی این پژوهش ترکیبی از تحلیل نظام‌مند اسناد، استنتاج استقرایی مفاهیم، و اعتبارسنجی خبره‌محور است که به طراحی یک مدل بومی و مستند منجر شده است. تلفیق تحلیل محتوای کیفی با شاخص آماری کاپا، سبب شد تا یافته‌های پژوهش از هر دو جنبه‌ی نظری و تجربی از اعتبار لازم برخوردار باشند و بسته سیاستی نهایی از پشتوانه‌ای علمی، معتبر و اجرایی بهره‌مند گردد.

^۱ Inductive Content Analysis

^۲ Cohen's Kappa

^۳ Landis & Koch

۴- یافته های پژوهش

یافته های این مطالعه که مبتنی بر مرور نظام مند ۲۶ منبع علمی داخلی و بین المللی است، به چهار محور اصلی دسته بندی می شوند: الگوها و سطوح مشارکت دانشجویی، چالش ها و موانع ساختاری، آثار مشارکت بر حکمرانی دانشگاهی، و الزامات تحقق حکمرانی مشارکتی. این یافته ها تصویر روشنی از وضعیت جاری و ظرفیت های مغفول مانده مشارکت انجمن های علمی دانشجویی در حکمرانی دانشگاهی ارائه می دهند.

جدول (۱). منابع بررسی شده

ردیف/نوع سند	عنوان مقاله / کتاب	یافته ها
۰۱- مقاله	Student participation in university administration: factors, approaches and impact	انجمن های علمی دانشجویی با انتقال دیدگاه ها و حضور در شوراها بر تصمیم های آموزشی و خدماتی دانشگاه اثر می گذارند. مشارکت آن ها در مدیریت مشترک محدود و بیشتر جنبه ی مشورتی دارد. نبود چارچوب قانونی، آموزش ناکافی و مقاومت اداری موانع اصلی مشارکت اند. مشارکت مؤثرشان شفافیت، اعتماد و حکمرانی دموکراتیک تر را تقویت می کند.
۰۲- مقاله	صداهای گمشده در آموزش و پرورش: استفاده از صدای دانشجویان به عنوان یک ابزار طراحی برای ساختن ساده تر، کاربردی تر، و الگوهای یادگیری جذاب	گنجاندن دیدگاه های دانشجویان در تصمیم گیری، عدالت و پاسخگویی دانشگاه را تقویت می کند. موانع اصلی مشارکت شامل مشارکت صوری، نابرابری قدرت و فقدان سازوکارهای پایدار است.
۰۳- مقاله	Participation of Students in all Areas of Governance in Higher Education Institutions in the Light of the Literature—A Systematic Review	انجمن های علمی دانشجویی نگرانی ها و پیشنهادات دانشجویان را به سیاست گذاری دانشگاه منتقل می کنند. مشارکت واقعی آنها محدود و اغلب مشورتی است. موانع شامل نقش صوری، ناپیوستگی رهبری و آموزش ناکافی است. مشارکت مؤثر شفافیت، پاسخگویی و حکمرانی دموکراتیک را تقویت می کند.
۰۴- مقاله	The Significance of Student Associations to Leadership Development	انجمن های دانشجویی به عنوان کانال ارتباطی میان دانشجویان و مدیریت، دغدغه ها و پیشنهادات دانشجویان را منتقل می کنند. مشارکت آن ها در تصمیم گیری رسمی محدود و اغلب مشورتی است. موانع شامل مقاومت نهادی، استقلال محدود و آموزش ناکافی رهبران دانشجویی است. مشارکتشان مهارت های رهبری و اعتماد را تقویت و فرهنگ دانشگاهی فراگیرتر می کند.
۰۵- مقاله	دولت دانشجویی و همسویی دستور کار اداری دانشگاه	جوامع دانشگاهی دانشجویی با نمایندگی علایق دانشجویان، بر سیاست ها و مدیریت پردیس اثر می گذارند.

مشارکت رسمی آن‌ها محدود است، اما روابط مثبت با مدیریت فرصت‌های مشارکتی ایجاد می‌کند. تفاوت اولویت‌ها بین دانشجویان و مدیریت مانع ادغام کامل دیدگاه‌های دانشجویی است. مشارکتشان تعامل، نوآوری و همراهی ذی‌نفعان در حکمرانی دانشگاه را تقویت می‌کند.	
دانشجویان با ارائه نظرات و نگرانی‌ها بر بحث‌های دانشگاهی اثر می‌گذارند، اما معمولاً اختیار رسمی در تصمیم‌گیری ندارند. مشارکت آن‌ها در حکومتداری مشترک محدود و غالباً نمادین است. موانع شامل محدودیت‌های ساختاری، فقدان تخصص و مشارکت صوری است. مشارکتشان شفافیت و مسئولیت‌پذیری را افزایش می‌دهد، اما تأثیر واقعی بر نتایج تصمیم‌گیری کم است.	۰۶-مقاله Shared Governance in the Modern University حکمرانی مشترک در دانشگاه مدرن
دانشجویان از طریق سازمان‌های حاکمیت دانشجویی ساختاریافته بر تصمیم‌گیری دانشگاه اثر می‌گذارند و بازخورد جمعی را منتقل می‌کنند. مشارکت آن‌ها اغلب نمادین است و تقسیم قدرت واقعی با مقامات دانشگاه محدود است. محدودیت اصلی، نمایندگی ناکافی جمعیت دانشجویی و ناکارآمدی مشارکت در فرآیندهای حاکمیتی است. اگرچه مشارکت تاریخی دانشجویان اهمیت دارد، تأثیر دقیق آن بر نتایج تصمیم‌گیری دانشگاه‌ها به‌طور مشخص روشن نیست.	۰۷-سایت Student Participation in Institutional Governance and Decision Making: Having a Seat at the Table مشارکت دانش‌آموزان در حکمرانی و تصمیم‌گیری نهادی: داشتن یک صندلی پشت میز
رهبران دانشجو در دانشگاه‌های کنیا با ارائه دیدگاه‌ها و رسیدگی به نگرانی‌های دانشجویان بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذارند، اگرچه اثربخشی آن‌ها مستند نیست. مشارکت آن‌ها در مدیریت مشترک و تقسیم قدرت با مقامات دانشگاه محدود است و تضاد مسئولیت‌ها و کمبود کار تیمی مانع اثرگذاری می‌شود. موانع اصلی شامل تضاد بین فعالیت‌های تحصیلی و رهبری، ضعف همکاری گروهی و ناآگاهی از سیاست‌های دانشگاه است. چالش‌ها اثر مشارکت دانشجویان را کاهش می‌دهد و برای افزایش اثرگذاری، حمایت و تقویت ظرفیت رهبران دانشجو ضروری است.	۰۸-مقاله Challenges Faced by Student Leaders in Managing Student Affairs in Public Universities in Kenya چالش‌های پیش روی رهبران دانشجو در مدیریت امور دانشجویی در دانشگاه‌های دولتی کنیا
دانشجویان از طریق نمایندگی و بازخورد، دیدگاه‌های خود را به مدیریت منتقل می‌کنند. نقش آنها در تصمیم‌گیری مشترک محدود و بیشتر مشورتی است. موانع اصلی، ادغام ناکافی و ابزارهای مشارکت ضعیف است. اثربخشی مشارکت بر تصمیم‌گیری کلان هنوز نیازمند بررسی	۰۹-مقاله The Role of Students in the Governance of Public Higher Education: a Case Study of Malta نقش دانشجویان در اداره آموزش عالی دولتی: مطالعه موردی مالت

کند و نیاز به حمایت و تمرین مهارت‌های حکمرانی دارد. این مشارکت باعث تقویت فرهنگ مدرسه، توسعه مهارت‌ها و ایجاد تجربیات یادگیری معنادارتر می‌شود.	
دولت دانشجویی کالج ایالتی لوزون شمالی از طریق مشارکت در سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه، حفظ نظم و ارتقای رفاه دانش‌آموزی بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد. این مشارکت باعث هدایت دانش‌آموزان، تقویت رهبری آن‌ها در مراسم و برنامه‌های مدرسه و همکاری با مشاوران در مسائل شخصی و سلامت می‌شود و تأثیر متوسطی بر مدیریت و نتایج تصمیم‌گیری دارد.	۱۵-مقاله Effectiveness of the Performance of the Student Government of North Luzon Philippines State College اثربخشی عملکرد دولت دانش‌آموزی کالج ایالتی نورث لوزون فیلیپین
جوامع دانشگاهی دانشجویی عمدتاً از طریق مشارکت در شوراها و نهادهای دانشگاهی بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند، به ویژه در حوزه خدمات، سیاست‌ها و برنامه‌ها. اگرچه حضور آنها گسترده است، اغلب نقش مشاوره‌ای دارند و اشتراک واقعی قدرت محدود است. موانع شامل محرومیت از بحث‌های حساس، کمبود تجربه، ویژگی‌های فردی و محدودیت‌های ساختاری است. وقتی مشارکت به خوبی ادغام شود، دانشجویان می‌توانند بر امور خود و حاکمیت دانشگاه تأثیر مثبت بگذارند، اما تأثیر کلی به محدودیت‌های قدرت واقعی آنان بستگی دارد.	۱۶-مقاله Student Participation in University Governance مشارکت دانشجویان در مدیریت دانشگاه
دانشجویان نقش فعال‌تری در تصمیم‌گیری دانشگاه‌ها یافته‌اند، به‌ویژه در طراحی دوره‌ها و برنامه‌های درسی. مشارکت آنها هنوز کامل و برابر نیست و با موانعی مثل سلسله‌مراتب، توکن‌گرایی و محدودیت پژوهشی مواجه است. با این حال، حضورشان منجر به آموزش فراگیرتر، پاسخگوتر و تجربه یادگیری غنی‌تر می‌شود.	۱۷-مقاله Student Voice: Reviewing two decades of the literature to guide the next 20 years صدای دانشجو: بررسی دو دهه ادبیات برای هدایت ۲۰ سال آینده
دانشجویان از طریق نمایندگان دوره‌ها و بازخوردهای رسمی تلاش می‌کنند بر مدیریت دانشگاه تأثیر بگذارند، اما این بازخورد اغلب مشکل‌محور است و دانشجویان بیشتر در نقش مصرف‌کننده هستند تا شریک واقعی. موانعی مانند تقسیم‌بندی، ذهنیت «ما و آنها» و چارچوب مدیریتی محدود، اثربخشی مشارکت را کاهش می‌دهند و تأثیر واقعی دانشجویان بر تصمیم‌گیری محدود باقی می‌ماند.	۱۸-مقاله Student voice in higher education: Opening the loop صدای دانشجو در آموزش عالی: باز کردن حلقه
دانشجویان در تایوان و هنگ کنگ از طریق کنش‌گری و مشارکت در ساختارهای حاکمیتی تلاش می‌کنند بر مدیریت دانشگاه تأثیر بگذارند، اما مدیریت مشترک و تقسیم قدرت اغلب محدود و نمادین است. موانع شامل مقاومت نهادی، بی‌اعتمادی، توکنیسم و زمینه‌های فرهنگی-سیاسی هستند. مشارکت معنادار می‌تواند	۱۹-مقاله Trust and Tension: Shared Governance in Higher Education amid Student Activism

حکمرانی پاسخگوتر و مشروعیت نهادی بیشتر ایجاد کند، اما مشارکت سطحی اثر محدودی دارد و ممکن است تنش‌ها را افزایش دهد.

مشارکت دانشجویی شامل نمایندگی در شوراها و هم‌آفرینی در آموزش است. مشارکت واقعی دانشجویان باعث محیط آموزشی پاسخگو و انگیزه بیشتر می‌شود، اما نقش‌های محدود یا نمادین اثر کمی دارند. موانع شامل ابهام نقش، محدودیت دسترسی و کنترل کارکنان است.

Student voice in higher education: the importance of distinguishing student representation and student partnership

۲۰-مقاله

صدای دانشجو در آموزش عالی: اهمیت تمایز نمایندگی دانشجو و مشارکت دانشجویی

دانشجویان با مشارکت در طراحی برنامه و سیاست‌های دانشگاه، صدای خود را وارد تصمیم‌گیری می‌کنند. هرچند موانعی مانند مقاومت نهادی و نقش محدود وجود دارد، این مشارکت باعث حکمرانی پاسخگوتر، آموزش بهتر و افزایش حس مسئولیت و تعلق دانشجویان می‌شود.

Student Voice: Reviewing two decades of the literature to guide the next 20 years

۲۱-مقاله

صدای دانشجو: بررسی دو دهه ادبیات برای هدایت ۲۰ سال آینده

دانشجویان عمده‌تاً از طریق بازخورد و مشارکت در طراحی برنامه درسی بر تصمیم‌گیری آموزشی تأثیر می‌گذارند، اما نقش آن‌ها بیشتر مشورتی است تا شریک واقعی در مدیریت. موانع شامل محدودیت ساختاری، نابرابری قدرت، منابع محدود و گاهی نمادین بودن مشارکت است. تأثیر گسترده آن‌ها بر مدیریت کل دانشگاه در این منبع بررسی نشده است.

Student Participation in the Development of Degree Programmers

۲۲-مقاله

مشارکت دانشجویان در توسعه برنامه های تحصیلی

دانشجویان عمده‌تاً در نهادهای دانشگاهی به‌صورت رسمی و مشورتی حضور دارند، اما تأثیر واقعی آن‌ها بر تصمیم‌گیری محدود و بیشتر نمادین است. مشارکت آن‌ها مدیریت مشترک یا تقسیم قدرت واقعی را شامل نمی‌شود و با موانعی مانند نمایندگی محدود، پیچیدگی فرآیندهای انتخاباتی، کمبود آموزش و حمایت ناکافی از انجمن‌ها مواجه است. در نتیجه، اثر مشارکت دانشجویان بر مدیریت دانشگاه و نتایج تصمیم‌گیری اندک است.

Student Participation in the Governing Bodies of Spanish Universities

۲۳-مقاله

مشارکت دانشجویان در هیئت های حاکمه دانشگاه های اسپانیا

دانشجویان با ارائه دیدگاه‌های خود و مشارکت در نهادهای رسمی دانشگاه (مانند شوراها و کمیته‌ها) بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند و مشروعیت دموکراتیک و توجه به نیازهای دانشجویی را افزایش می‌دهند. میزان مشارکت واقعی و تقسیم قدرت بسته به موسسه متفاوت است؛ در برخی موارد ملموس و در برخی دیگر بیشتر نمادین است. موانع شامل عدم تعادل قدرت، نمادین‌گرایی، کمبود آمادگی و حمایت، گردش سریع نمایندگان و دیدگاه‌های ادراکی محدود است. مشارکت معنادار دانشجویان باعث بهبود کیفیت تصمیم‌گیری، پاسخگویی نهادی و فرهنگ دموکراتیک دانشگاه و

Student involvement in university decision-making: Good reasons, a new lens

۲۴-مقاله

مشارکت دانشجویان در تصمیم گیری دانشگاه: دلایل خوب، یک لنز جدید

نتایج سیاست‌گذاری عادلانه‌تر می‌شود.	
این مقاله نشان می‌دهد که در ایران نقش دانشجویان در تصمیم‌گیری دانشگاه‌ها محدود و اغلب نمادین است. مشارکت واقعی و تقسیم قدرت با مدیریت دانشگاه به دلیل ساختار سلسله‌مراتبی، قوانین ناکافی، فرهنگ مشارکتی ضعیف، کمبود مهارت‌ها و عدم اعتماد محدود می‌شود. با وجود این محدودیت‌ها، تقویت ابعاد مشارکت (ساختاری، نهادی، فرهنگی، فردی و ارزشی) می‌تواند به بهبود نظام مدیریت دانشگاه و ارتقای فرآیندهای تصمیم‌گیری کمک کند، هرچند تأثیر مستقیم آن بر تصمیمات هنوز محدود است.	۲۵-مقاله شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران
این مقاله نشان می‌دهد که در آموزش عالی ایران، پژوهش‌های متعددی به زمینه‌های آموزش، مالی، فرهنگی و حکمرانی پرداخته‌اند، اما نقش مستقیم دانشجویان در فرآیندهای تصمیم‌گیری دانشگاه به‌طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته است. مشارکت دانشجویان در مدیریت مشترک و تقسیم قدرت با دانشگاه نیز مستقیماً تحلیل نشده است. موانع مشارکت کامل شامل عوامل فردی (کمبود مهارت‌های لازم)، آموزشی (کمبود آموزش‌های توانمندساز)، فرهنگی (نگرش‌ها و باورهای محدودکننده) و مالی (موانع اقتصادی) است. هرچند مشارکت دانشجویان باعث افزایش انگیزه و خودباوری آنها می‌شود، تأثیر مستقیم بر مدیریت دانشگاه و نتایج تصمیم‌گیری هنوز به‌طور مشخص بررسی نشده است.	۲۶-مقاله بررسی مشارکت دانشجویان در آموزش عالی ایران (فرا ترکیب)

جمع بندی یافته ها:

۱-الگوها و سطوح مشارکت دانشجویان در دانشگاه

مطالعات متعددی تأکید دارند که مشارکت دانشجویان در حکمرانی دانشگاهی در سطوح مختلفی از «اطلاع‌رسانی و مشاوره» تا «مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری» قابل طبقه‌بندی است (متیوز و دولینگر^۱، ۲۰۲۳؛ لوشر ماماشالا، ۲۰۱۱). در برخی نظام‌های آموزش عالی مانند کانادا و اسپانیا، مدل‌های مشارکت مشارکتی نهادمند توسعه یافته‌اند که در آن دانشجویان از طریق شوراهای تخصصی در سیاست‌گذاری درسی، ارزیابی کیفیت، و تخصیص منابع نقش ایفا می‌کنند (مالاکا و آدت چاپدلاین^۲، ۲۰۱۳؛ لورنت واکرو^۳، ۲۰۱۶). در ایران نیز، برخی شواهد نشان از تمایل به افزایش مشارکت دانشجویان دارند؛ با این حال، این مشارکت عمدتاً در سطح اجرای فعالیت‌های فرهنگی، علمی و

¹ Matthews & Dollinger

² Makela & Audette-Chapdelaine

³ Llorent-Vaquero

مناسکی باقی مانده و در فرآیندهای تصمیم‌سازی راهبردی کمتر حضور دارد (کیخا و توفیقی داریان، ۱۴۰۰؛ واعظی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲- چالش‌ها و موانع ساختاری و فرهنگی

بررسی ادبیات پژوهش حاکی از آن است که علی‌رغم سیاست‌های کلان حمایتی، موانع متعددی سد راه مشارکت واقعی دانشجویان در ساختارهای حکمرانی دانشگاهی هستند. این موانع شامل نبود جایگاه حقوقی مشخص برای انجمن‌ها، نگاه ابزاری یا تزئینی مدیران، ضعف مهارت‌های سیاست‌ورزی دانشجویان، و فرهنگ مدیریتی غیرمشارکتی می‌شود (شهابول و همکاران^۱، ۲۰۲۲؛ انیم و همکاران^۲، ۲۰۲۴؛ جندقی و همکاران، ۱۴۰۲).

همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در بسیاری از دانشگاه‌ها، انجمن‌های علمی به‌صورت ساختاری به سیاست‌گذاری متصل نیستند و صرفاً به عنوان مجریان فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند (موراز و همکاران^۳، ۲۰۱۹؛ دیلورتو-هیل^۴، ۲۰۲۲). این در حالی است که در برخی کشورها، ظرفیت‌سازی مستمر برای مشارکت فعال دانشجویان در فرآیندهای دانشگاهی به عنوان یک اولویت دیده می‌شود (بورگ^۵، ۲۰۱۹؛ جنجری^۶، ۲۰۲۴).

۳- آثار و پیامدهای مشارکت دانشجویان

تحقیقات متعدد اثبات کرده‌اند که مشارکت واقعی و ساختاریافته دانشجویان، تأثیرات مثبتی بر کیفیت تصمیم‌گیری، شفافیت فرایندهای سیاست‌گذاری، افزایش مسئولیت‌پذیری نهادها، و تقویت اعتماد بین ذی‌نفعان دانشگاهی دارد (اشتون-هی^۷، ۲۰۲۵؛ پاتریک^۸، ۲۰۲۲؛ یانگ و جروم^۹، ۲۰۲۰). افزون بر آن، این مشارکت نقش مهمی در توسعه مهارت‌های رهبری، تفکر انتقادی، و مشارکت اجتماعی در دانشجویان دارد (اقبال و همکاران، ۲۰۲۳؛ احمدی و همکاران، ۱۴۰۱). برخی پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که در دانشگاه‌هایی که ساختار مشارکت دانشجویی نهادینه شده است، تاب‌آوری نهادی و ظرفیت دانشگاه برای مواجهه با بحران‌ها نیز افزایش یافته است (لو^{۱۰}، ۲۰۲۵).

۴- الزامات تحقق حکمرانی مشارکتی مؤثر

تحقق مشارکت مؤثر انجمن‌های علمی دانشجویی مستلزم بازنگری در آیین‌نامه‌های دانشگاهی، تعیین جایگاه قانونی و رسمی برای نهادهای دانشجویی در ساختار تصمیم‌گیری، آموزش سیاست‌ورزی و گفت‌وگوی راهبردی به دانشجویان، و ایجاد فرهنگ سازمانی مبتنی بر مشارکت (کوستلر و همکاران، ۲۰۲۴).

¹. Shahabul et al

². Enim et al

³. Murage et al

⁴. Murage et al

⁵. Borg

⁶. Gingery

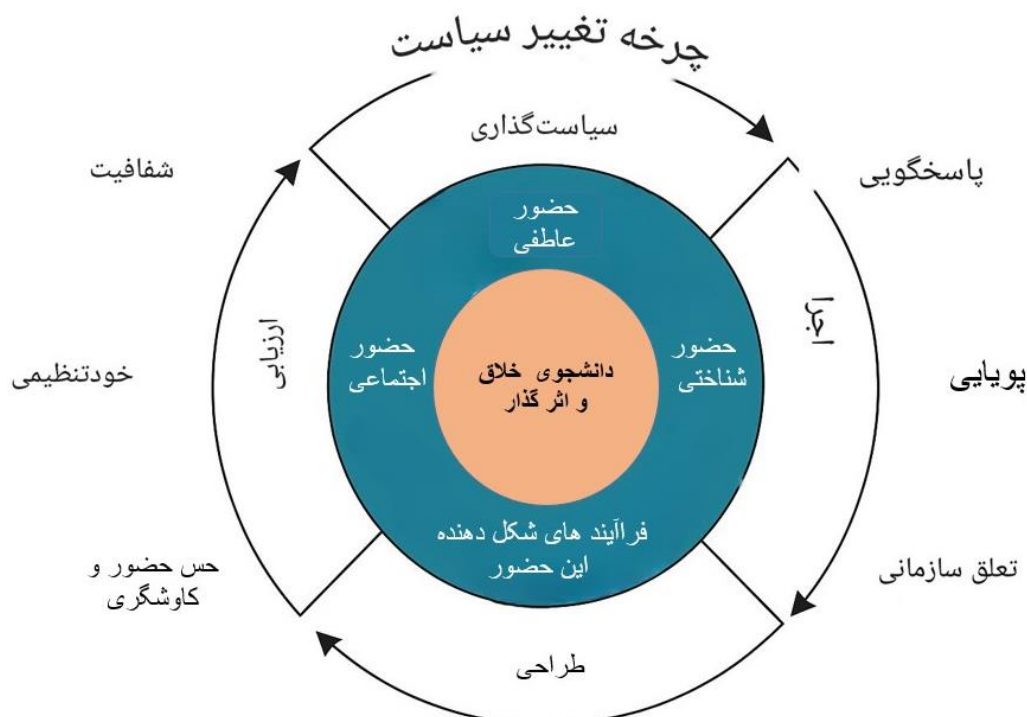
⁷. Ashton-Hay

⁸. Patrick

⁹. Young & Jerome

¹⁰. Lo

برخی مطالعات داخلی پیشنهاد می‌کنند که تدوین «نقشه راه حکمرانی مشارکتی دانشجویان» و «توسعه شوراهای سیاست‌گذار مشترک استاد-دانشجو» می‌تواند بستر تحقق این مشارکت را فراهم کند (توکلی یرکی و همکاران، ۱۴۰۳؛ کیخا و توفیقی، ۱۴۰۰). علاوه بر آن، تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهند که صرف حضور دانشجویان در شوراهای کافی نیست، بلکه اختیارات، سازوکارهای پاسخ‌گویی، و امکان اثرگذاری واقعی نیز باید فراهم باشد (اسکات، ۲۰۲۰؛ شهابول و همکاران، ۲۰۲۲). شکل ۱ مدل مفهومی از یافته‌های به دست آمده را نشان می‌دهد.



شکل (۱). عناصر اجتماع یادگیرنده و کاوشگر دانشگاهی

این مدل مفهومی بازنمایانگر منطق درونی حکمرانی دانشگاهی در چارچوب اجتماع کاوشگر است، که در آن یادگیری، سیاست‌گذاری و کنش مشارکتی در یک چرخه بازتابی و پویا به هم پیوند خورده‌اند. در مرکز مدل، دانشجو به‌عنوان یادگیرنده و خلاق عمل می‌کند که سه بُعد شناختی، عاطفی و اجتماعی یادگیری را در هم می‌آمیزد. این ترکیب، بستر شکل‌گیری خلاقیت، خودتنظیمی و رشد تفکر نقاد در میان دانشجویان را فراهم می‌سازد. چهار لایه بیرونی مدل، مراحل سیاست‌گذاری، طراحی، اجرا و ارزیابی را به‌عنوان چرخه تغییر سیاستی نشان می‌دهند که میان آن‌ها پیکان‌های بازخوردی وجود دارد. این چرخه بازتابی بیانگر حرکت مستمر از «دانش به عمل» و سپس از «عمل به بازاندیشی» است، فرایندی که در آن دانشجویان از طریق مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها، خود نیز در مسیر یادگیری نهادی قرار می‌گیرند. در لایه نهایی، پیامدهای کلیدی مدل شامل شفافیت، پاسخ‌گویی، خودتنظیمی، خلاقیت سازمانی و تعلق نهادی قرار گرفته‌اند. این نتایج، بیانگر اثر هم‌افزای تعامل میان یادگیری و سیاست‌گذاری هستند؛ به این معنا که حکمرانی مشارکتی متکی بر به کارگیری ظرفیت انجمن‌های علمی دانشجویی، نه فقط

کارآمدی نهادی را افزایش می‌دهد، بلکه دانشگاه را به یک نظام یادگیرنده و تحول‌آفرین تبدیل می‌کند. پیوند مؤثر میان «چرخه تغییر سیاستی» و «چرخه یادگیری اجتماعی»، بنیان دانشگاه اثربخش و خلاق را می‌سازد؛ دانشگاهی که در آن، مشارکت دانشجویان از سطح نمادین فراتر رفته و به سازوکار مولد دانش، تصمیم و کنش بدل می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

در دهه‌های اخیر، بسیاری از نظام‌های آموزش عالی جهان به‌سوی دموکراتیزه کردن ساختارهای حکمرانی و مشارکت دادن دانشجویان در تصمیم‌گیری‌های دانشگاهی حرکت کرده‌اند؛ فرآیندی که ریشه در نظریه‌های مشارکت‌محور رهبری، مفهوم دانشگاه به‌مثابه اجتماع کاوشگر، و الگوی چرخه تغییر سیاستی دارد. پژوهش‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که حضور معنادار دانشجویان در تصمیم‌سازی‌ها موجب افزایش پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت سازمانی و احساس تعلق نهادی می‌شود (کلمنچیچ، ۲۰۱۹؛ برگان، ۲۰۲۰). در کشورهای اسکاندیناوی، از دهه ۱۹۷۰ به این‌سو، حضور دانشجویان در شوراهای کلیدی دانشگاه به‌صورت ساختاری و با حق رأی تضمین شده است (لوش‌ماماشالا، ۲۰۱۳). در انگلستان نیز، هرچند الگوی مدیریتی بازارمحور غلبه دارد، اما اتحادیه‌های دانشجویی نقش چانه‌زنی مؤثر در سیاست‌های دانشگاهی ایفا می‌کنند (جونز و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، کشورهای اروپای شرقی پس از دهه ۹۰ میلادی، با وجود رسمیت بخشیدن به نهادهای دانشجویی، هنوز با ضعف در عمق و کیفیت مشارکت مواجه‌اند (اسمولنتسوا، ۲۰۱۳). تجربه‌های متنوع این کشورها نشان می‌دهد که هر جا مشارکت دانشجویان از سطح مشورتی به سطح تصمیم‌سازی ارتقا یافته، دانشگاه‌ها توانسته‌اند به ساختارهای منعطف‌تر، نوآورتر و پاسخ‌گوتر تبدیل شوند. در ایران، مشارکت دانشجویان در قالب انجمن‌های علمی، شوراهای صنفی و کانون‌های فرهنگی سابقه‌ای چنددهه‌ای دارد، اما جایگاه آن‌ها در حکمرانی دانشگاهی همچنان عمدتاً نمادین و اجرایی است. مرور سیاست‌های ملی و آیین‌نامه‌های مصوب وزارت علوم (از جمله بازنگری ۱۳۹۷) نشان می‌دهد که هرچند بر همکاری با مدیریت دانشگاه تأکید شده، اما «مشارکت در سیاست‌گذاری» هنوز تعریف حقوقی، ساختاری و اجرایی روشنی ندارد. به بیان دیگر، در حالی که در سطح جهانی، «دانشگاه یادگیرنده و اجتماع کاوشگر» بر هم‌سطح‌سازی ذی‌نفعان و گفت‌وگوی چندجانبه تأکید دارد، در ایران این گفت‌وگو غالباً به تعاملات موردی و غیررسمی محدود مانده است. نتیجه‌ی این وضعیت، ضعف در یادگیری سازمانی، کاهش حس تعلق، و از دست رفتن فرصت‌های خلاقیت دانشجویی در فرایند تصمیم‌گیری است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که با وجود ظرفیت‌های بالای انجمن‌های علمی دانشجویی در ایران، مشارکت آنان در تصمیم‌سازی‌های سیاستی و مدیریتی، به دلیل ضعف ساختاری و نگرشی، عمق و اثربخشی لازم را ندارد. در بسیاری از دانشگاه‌ها، مشارکت SSA در بهترین حالت در قالب فعالیت‌های علمی و رویدادهای اجرایی باقی مانده و فاقد اثرگذاری نهادی است. این یافته با نتایج پژوهش‌های بین‌المللی مشابه هم‌خوان است؛ برای مثال، اسمولنتسوا (۲۰۱۳) نیز تأکید می‌کند که در جوامعی که ساختار مشارکت رسمی ایجاد شده اما سازوکار پاسخ‌گویی و ضمانت اجرایی وجود ندارد، مشارکت دانشجویی به‌صورت «مناسکی» و نه «سیاستی» تداوم می‌یابد. در مقابل، پژوهش‌های کلیمنچیچ (۲۰۱۹) و برگان (۲۰۲۰) بر این باورند که «قدرت دانشجویی» زمانی بالفعل می‌شود که انجمن‌ها در مراحل مختلف چرخه سیاست‌گذاری «از شناسایی مسئله تا ارزیابی سیاست‌ها» نقش رسمی و مؤثر داشته باشند. یافته‌های این تحقیق با آن مطالعات هم‌سو است، اما یک گام فراتر می‌رود و بر این نکته

تأکید می‌کند که مشارکت ساختاریافته انجمن‌های علمی در دانشگاه‌های ایران نه تنها ضرورت دموکراتیک، بلکه پیش‌شرط یادگیری سازمانی و خلاقیت نهادی است. در مقایسه با پژوهش‌های قبلی که بیشتر بر جنبه‌های دموکراتیک و نمایندگی دانشجویان متمرکز بوده‌اند، نوآوری این تحقیق در آن است که مفهوم مشارکت دانشجویی را در چارچوب «دانشگاه به مثابه اجتماع کاوشگر» و «چرخه تغییر سیاستی» تبیین می‌کند؛ بدین معنا که مشارکت صرفاً سازوکاری برای شنیدن صدای دانشجویان نیست، بلکه فرآیندی یادگیرنده، بازتابی و تحول‌آفرین است که دانشجویان را به عاملان فعال در یادگیری سازمانی و تغییر نهادی تبدیل می‌سازد. این پژوهش با پیوند دادن حوزه‌های نظری رهبری تحول‌آفرین، حکمرانی مشارکتی و یادگیری اجتماعی، الگویی بومی برای بازطراحی حکمرانی دانشگاهی در ایران ارائه می‌دهد که از سطح نمادین و مناسکی فراتر رفته و به سطح یادگیری جمعی و سیاست‌گذاری مشترک ارتقا می‌یابد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وقتی انجمن‌های علمی در فرآیند تصمیم‌گیری دانشگاهی حضور فعال دارند، سیاست‌ها واقع‌بینانه‌تر، کارآمدتر و منطبق‌تر با نیازهای واقعی دانشجویان طراحی می‌شوند؛ در مقابل، حذف یا تضعیف مشارکت آنان منجر به سیاست‌های از بالا به پایین، انفعال دانشجویی، کاهش اعتماد نهادی و کاهش نوآوری آموزشی می‌شود. بدین ترتیب، بازنگری در آیین‌نامه‌ها، نهادینه‌سازی جایگاه حقوقی انجمن‌ها، آموزش مهارت‌های سیاستی، و طراحی سازوکارهای بازخورد و ارزیابی مشارکت، می‌تواند به تدریج دانشگاه‌ها را از وضعیت کنونی؛ که در آن دانشجویان عمدتاً مجری‌اند نه تصمیم‌ساز به سوی دانشگاه‌های یادگیرنده و خلاق سوق دهد. بر اساس تحلیل تطبیقی یافته‌ها و مرور ادبیات، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران آموزش عالی با تدوین چارچوب ملی «مشارکت معنادار دانشجویان در حکمرانی دانشگاهی» ضمن تعریف دقیق جایگاه SSA، برای حضور آنان در شوراهای کلیدی، بهره‌گیری از دیدگاه‌هایشان در ارزیابی سیاست‌ها و مشارکت در بودجه‌ریزی آموزشی سازوکارهای الزام‌آور ایجاد کنند. از سوی دیگر، لازم است برنامه‌هایی برای توانمندسازی مهارتی انجمن‌ها در حوزه تحلیل سیاستی، مدیریت دانش، تفکر سیستمی و رهبری تحول‌آفرین طراحی شود تا نقش آنان از «کارگزاران اجرایی» به «شرکای فکری» در تصمیم‌سازی ارتقا یابد. چنین تغییری می‌تواند به تحقق دانشگاه اثربخش، پاسخ‌گو و عدالت‌محور منجر شود که در آن، یادگیری سازمانی و سیاست‌گذاری به صورت هم‌افزا و پویا پیش می‌رود. نوآوری دیگر پژوهش حاضر در آن است که مدل مفهومی پیشنهادی آن، تعامل میان سطوح چهارگانه‌ی حکمرانی دانشگاهی (سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی) را با ابعاد سه‌گانه‌ی یادگیری در اجتماع کاوشگر (شناختی، عاطفی و اجتماعی) تلفیق می‌کند و نقش انجمن‌های علمی دانشجویی را به عنوان «حلقه واسطه» میان سیاست و یادگیری بازتعریف می‌نماید. در این مدل، چرخه تغییر سیاستی نه صرفاً یک فرایند خطی، بلکه شبکه‌ای پویا از بازخورد، گفت‌وگو و یادگیری متقابل است که به واسطه‌ی مشارکت SSA تداوم می‌یابد.

منابع

- احمدی، حیدر؛ نعمت‌الهی، حمیدرضا؛ و اسدالهی دهکردی، الهه. (۱۴۰۱). مراحل اجرا و تحقق حکمرانی مشارکتی در آموزش عالی. مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۳۱(۱۰۵)، ۱۰۳-۱۳۵. SID. <https://sid.ir/paper/1032138/fa>
- توکلی یرکی، راحله؛ عارفی، محبوبه؛ جعفری، اسماعیل و خادمی، محمد. (۱۴۰۳). بررسی مشارکت دانشجویان در آموزش عالی ایران (فراترکیب). نامه آموزش عالی (66)، 17. doi: 10.22034/hel.2024.2012533.1912

کیخا، احمد و توفیقی داریان، جعفر. (۱۴۰۰). جایگاه نهادهای دانشجویی در حکمرانی آموزش عالی با رویکرد سیاستهای کلی. سیاستهای راهبردی و کلان، (۳۵)، ۴۹۶-۵۲۴. <https://doi.org/10.30507/jmsp.2021.273292.2201>

کیخا، احمد؛ توفیقی داریان. (۲۰۲۳). بازخوانی نقش دانشجویان در حکمرانی دانشگاه با رویکرد کیفی (نمونه‌کاوی: چند دانشگاه منتخب شهر تهران). مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۱۱(۲۱)، ۱۶-۳۲.

میرزایی، حسین؛ میرزائی، مجتبی و علیزاده، توحید. (۱۳۹۷). مطالعه عوامل تاثیرگذار بر تقویت مشارکت اجتماعی دانشجویان در انجمن‌های علمی دانشجویی (مورد مطالعه: انجمن‌های علمی دانشگاه فردوسی مشهد). مجله جامعه شناسی ایران، ۱۹(۲)، ۱۶۹-۱۵۴. <https://doi.org/10.22034/jsi.2019.36919.154-169>

واعظی، حمیده؛ قورچیان، نادرقلی؛ جعفری، پروش و محمدخانی، کامران. (۱۴۰۱). شناسایی ابعاد و مؤلفه های ارتقای مشارکت دانشجویان در نظام مدیریت دانشگاهی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۸(۱)، ۳۳-۶۴. <https://doi.org/10.52547/irphe.1401.1.33>

References:

- Alviento, S. G. (2018). *Effectiveness of the performance of the student government of North Luzon Philippines State College. Research in Pedagogy*, 8(1), 1-16.
- Ashton-Hay, S. (2025). *Student voice: Reviewing two decades of the literature to guide the next 20 years. Journal of University Teaching & Learning Practice*.
- Birnbaum, R. (2004). The end of shared governance: Looking ahead or looking back. *New Directions for Higher Education*, 2004(127), 5-22.
- Borg, C. (2019). The role of students in the governance of public higher education: A case study of Malta. *Journal of Intercultural Management*, 11(3), 1-20.
- De Boer, H., Enders, J., & Schimank, U. (2007). On the way towards new public management? The governance of university systems in England, the Netherlands, Austria, and Germany. In D. Jansen (Ed.), *New forms of governance in research organizations* (pp. 137-152). Springer.
- Association of College Unions International. (2019, April 25). *Student participation in institutional governance and decision-making: Having a seat at the table*. <https://acui.org/blog/2019/04/25/student-participation-in-institutional-governance-and-decision-making-having-a-seat-at-the-table/>
- City Year. (2020). *Student governance approach: Compass Academy*. <https://cityyear.org/wp-content/uploads/2020/02/Student-Governance-Approach-Compass-Academy.pdf>
- Iqbal, M. R., Iqbal, U. B., Zaidi, N. H., & Kumar, S. S. (2023). The significance of student associations to leadership development. *Journal of Namibian Studies: History, Politics, Culture*, 37, 205-223.
- Jamebozorg, Z. (2022). The effect of emotional presence in virtual education. *NeuroQuantology*, 20(10), 401-414. <https://doi.org/10.14704/nq.2022.20.10.NQ55893>
- Keykha, A., Hamdi, F., & Towfighi Darian, J. (2023). Re-reading the role of students in university governance with a qualitative approach (Case study: Some selected universities in Tehran). *Journal of Educational Planning Studies*, 11(21), 16-32. <https://doi.org/10.22080/eps.2023.20720.1999>
- King, J. C. (2013). *Tailoring shared governance to the needs and opportunities of the times*. Association of Governing Boards of Universities and Colleges.

- Köstler, V., Krinninger, J., Gallenmüller, M., Birnkammerer, H., & Mägdefrau, J. (2024). *Studierendenpartizipation in der Studiengangsentwicklung. Zeitschrift für Hochschulentwicklung*, 19(3), 191–208. <https://doi.org/10.21240/zfhe/19-03/11>
- Leach, W. D. (2008). *Shared governance in higher education: Structural and cultural responses to a changing national climate*. SSRN. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1520702>
- Llorent-Vaquero, M. (2016). Student participation in the governing bodies of Spanish universities. *Asian Social Science*.
- Lo, W. Y. W. (2025). Trust and tension: Shared governance in higher education amid student activism. *Studies in Higher Education*, 50(12), 3016–3031. <https://doi.org/10.1080/03075079.2024.2449243>
- Luescher-Mamashela, T. M. (2011). *Student involvement in university decision-making: Good reasons, a new lens. Studies in Higher Education*.
- Makela, F., & Audette-Chapdelaine, S. (2013). The legal regulation of university student associations in Canada.
- Marginson, S. (2016). The worldwide trend to high participation higher education: Dynamics of social stratification in inclusive systems. *Higher Education*, 72(4), 413–434.
- Matthews, K. E., & Dollinger, M. (2023). Student voice in higher education: The importance of distinguishing student representation and student partnership. *Higher Education*, 85(3), 555–570.
- Murage, L. M., Njoka, J., & Gachahi, M. (2019). Challenges faced by student leaders in managing student affairs in public universities in Kenya. *International Journal of Education and Literacy Studies*, 7(1).
- Patrick, J. (2022). Student leadership and student government. *Research in Educational Administration & Leadership*, 7(1), 1–37.
- Scott, R. A. (2020). Leadership threats to shared governance in higher education. *Journal of Academic Freedom*, 11, 1–17.
- Shahabul, H., Muthanna, A., & Sultana, M. (2022). Student participation in university administration: Factors, approaches and impact. *Tertiary Education and Management*, 28(1), 81–99.
- Simmons, D. L. (1995). *Shared governance in the University of California: An overview*. Academic Senate, University of California, Berkeley.
- Smithers, A., & Robinson, P. (1989). *Increasing participation in higher education*. BP Educational Service.
- Taylor, M. (2013). Shared governance in the modern university. *Higher Education Quarterly*, 67(1), 80–94.
- Young, H., & Jerome, L. (2020). Student voice in higher education: Opening the loop. *British Educational Research Journal*, 46(3), 688–705.
- Zuo, B., & Ratsoy, E. W. (1999). Student participation in university governance. *Canadian Journal of Higher Education*, 29(1), 1–26.